

شرح رساله حقوق

تا اینجا گفتیم امام سجاده (ع) می فرماید حق فرج این است که انسان مراقب باشد آن را در مسیر حرام قرار ندهد. برای این منظور نیز استعانت از چند امر را توصیه می کنند: ۱. غض البصر؛ ۲. كثرة ذكر الموت؛ ۳. التهدد لنفسك بالله.

۴. ترساندن خویش از نافرمانی

اینجا در ادامه می فرماید «والتخويف لها به» از یک جهت این می تواند ادامه آن امر سوم باشد. زیرا الفاظی مثل تهدید و تخويف و ارباب و انذار اینها مرادف با هم هستند، ابتدا فرمود «والتهدد لنفسك بالله»، تهدید خویشتن به خداوند که گفتیم منظور تهدید خویشتن به کيفر الهی است، به مجازات و عقوبت الهی است، در صورتی که تخطی بکند از این مسیر و فرج را از آنچه که بر آن حلال نیست حفظ نکند.

«والتخويف لها به» ترساندن نفس بالله، این می تواند باز همان معنا را داشته باشد لکن با عبارت دیگر، ترساندن نفس، ارباب نفس، بیم دادن نفس به خداوند یعنی به همان کيفرهای الهی به عقوبت الهی.

اما به نظر ما این نکته دیگری را می خواهد بگوید و تکرار نیست، صرفا تکثیر واژه ها و الفاظ نیست «والتخويف لها به» در واقع اشاره به بیم دادن، ترساندن نسبت به مخالفت با دستورات الهی است.

در راه سوم تهدید نفس و ترساندن نفس به کيفر است. این راه ترساندن نفس به مخالفت با دستورات الهی است، به معصیت، مثل این می ماند یک کسی را شما از جرم بترسانید و یک کسی را از مجازات بترسانید. تفاوت این دو تعبیر در اینجا این است در راه سوم در واقع ترساندن خویشتن نسبت به مجازات حرام است، تأمین شهوات از طریق نامشروع. در راه چهارم توجه دادن به خود این جرم، اینکه انسان بترساند خودش را از ارتکاب جرم. بله این دو با هم پیوند دارند. ارتکاب جرم ملازم با مجازات است، ارتکاب معصیت ملازم با عقوبت است، اما یکی سبب است و دیگری مسبب، در راه سوم می فرماید انسان خودش را هشدار دهد به عواقب این عمل، به نتایج و آثارش و عقوبتش، اما در راه چهارم هشدار می دهد به خود این جرم و معصیت و نافرمانی؛ یعنی به طور کلی انسان خودش را متوجه کند به اینکه اگر معصیت و نافرمانی خدا را بکند چه اتفاقی برایش می افتد؛ زشتی خود این جرم را یادآور شود. درست است که در هر دو بالله دارد «والتهدد لنفسك بالله»؛ «والتخويف لها به» یعنی «والتخويف لنفسك بالله» این هم همین است فقط تفاوتش در کلمه تهدد و تخويف است.

برای اینکه ما این را صرفا یک تکرار محسوب نکنیم باید بگوییم آنجایی که بحث تهدید است ناظر به نتایج و مسببات و عواقب این حرام است و وقتی می گوید «والتخويف لها به» ناظر به خود فعل، معصیت و گناه و حرام و جرم است و الا خود خدا که تخويف و تهدید ندارد؛ بالله یعنی بالعقوبات، به عقوبات خدا، در دومی «به» یعنی به معصیت خدا به مخالفت با خدا مخالفت و معصیت خداوند خودش زیان بار است و انسان باید به خودش هشدار دهد مخصوصا در رابطه با این معصیت.

ما راجع به این حرام گفتیم چه آثار دنیوی دارد و چه آثار اخروی دارد یعنی عقوبت های دنیوی و اخروی آن را بیان کردیم؛ اما خود معصیت خدا و نافرمانی خدا جای هشدار دادن دارد زیرا معصیت در واقع یعنی خروج از دایره بندگی، عاصی به کسی می گویند که نافرمانی می کند، خود نافرمانی صرف نظر از اینکه در چه موضوعی باشد، انسان را از محدوده بندگی خارج می کند، نافرمانی یعنی خروج از طاعت و پیروی، اگر کسی از دایره بندگی خارج شود چه مصیبت ها و مشکلاتی پیش می آید، ما این همه آیات و

روایات داریم که نسبت به نافرمانی خداوند به طور عام هشدار داده است، ما باید اینها را برای خودمان یادآوری کنیم که اصلاً نافرمانی خداوند چه آثار سوئی دارد، چه لطماتی به انسان می‌زند. در آیات مختلفی به این مطلب اشاره شده است، برخی از این آیات هم به صورت عام هم صورت خاص به معصیت‌های مختلف اشاره کرده است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱؛ با یکدیگر از در صلح و آشتی در بیایید و از گامهای شیطان پیروین نکنید که دشمن آشکار شماست و اگر بعد از این همه نشانه‌های آشکار که خداوند برای شما فرو فرستاد لغزش کردید بدانید که خداوند حکیم است. یعنی از چنگال عدالت خداوند نمی‌توانید فرار کنید. این راجع به خود معصیت و نافرمانی است. بحث عذاب‌های اخروی در جای خودش که ما یک اشاره‌ای قبلاً کردیم.

۲. این آیه به خصوص عذاب دوزخ کاری ندارد. «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بَمِثْلِهَا وَتَرَهَّقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۲ اینکه در آتش قرار می‌گیرند روشن است اما نفس این گرفتاری‌های که در اثر معصیت پیدا می‌شود این مقصود است.

۳. «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَتْهُ عَلِّ عِلْمٍ عِنْدِي أَوْلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»^۳ یادآوری اینکه معصیت و نافرمانی خداوند چه بر سر انسان می‌آورد مخصوصاً اینکه آغازی می‌شود برای انحطاط‌های بعدی این خیلی عجیب است که کسی که در دایره نافرمانی قرار بگیرد و از حیطه بندگی خدا خارج شود دیگر بعد از آن سقوطش به سرعت اتفاق می‌افتد. آن وقت در میان نافرمانی‌های خدا این نافرمانی باز یک خصوصیتی دارد.

^۱ سوره بقره، آیه ۲۰۸ و ۲۰۹.

^۲ سوره یونس، آیه ۲۷.

^۳ سوره قصص، آیه ۷۸ و ۷۹.